

تحلیل جامعه‌شناختی حزب اخوان المسلمین سوریه و نقش آن در بحران و آینده سیاسی سوریه

*سیدمحمد موسوی^۱

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۷ دی ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

چکیده

جمعیت اخوان المسلمین سوریه را که دکتر مصطفی سباعی به پیروی از جمعیت اخوان المسلمین مصر در سال ۱۹۴۵ میلادی با هدف مبارزه با استعمار و نیز مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه، در شهر حلب ایجاد کرد، تأثیرات عمده‌ای در تحولات سوریه، به‌ویژه تحولات سیاسی این کشور، گذاشته است. هدف از این پژوهش بررسی ماهیت حزب اخوان المسلمین و نقش و تأثیر آن در بحران سوریه و نقش‌آفرینی حزب مذکور در گسترش جنگ داخلی و آینده سیاسی این کشور است. مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و نظریه کنش‌محور به‌عنوان چهارچوب نظری تلاش دارد به این سوال اصلی پاسخ دهد که آیا این حزب از عملکرد و تأثیرگذاری لازم برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده خود برخوردار بود؟ در پاسخ، فرضیه پژوهش این است که حزب اخوان المسلمین سوریه علی‌رغم تحریک و سامان‌دهی گروه‌های سنی فعال در جریان سلفی ضد دولت مرکزی این کشور، عملکرد و تأثیرگذاری لازم را نبود و از دستیابی به اهداف تعریف‌شده خود بازماند. نتیجه آنکه حزب اخوان المسلمین سوریه نه تنها از اهداف ازپیش‌تعیین‌شده یعنی سرنگونی حکومت بشار اسد بازماند، بلکه به‌مرور با افزایش مشروعیت و محبوبیت بشار اسد و تقلیل محبوبیت گروه‌های مسلح عملاً ابتکار عمل در اختیار محور مقاومت قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها:

سوریه، اخوان المسلمین،
بحران، بشار اسد.

* نویسنده مسئول:

دکتر سیدمحمد موسوی

نشانی:

دانشیار گروه علوم سیاسی

دانشکده حقوق و علوم اجتماعی

دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پست الکترونیک:

s46mosavi@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

موسوی، سیدمحمد. (۱۴۰۳). تحلیل جامعه‌شناختی حزب و تفکر اخوان المسلمین سوریه و نقش آن در بحران و آینده سیاسی سوریه. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۶(۲۳)، ۲۱۱-۲۳۳.

۱. مقدمه

بعد از جنگ جهانی اول، که در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی رخ داد، براساس عهدنامه «سایکس-پیکو»، سوریه مستعمره فرانسه شد. همین امر سبب بحران‌های داخلی و خارجی برای سوریه شد. این اتفاق، واکنش بسیاری از متفکران مسلمان را برانگیخت و سرانجام در تاسیس جمعیت اخوان المسلمین سوریه، که پس از اخوان المسلمین مصر، مهم‌ترین انجمن محسوب می‌شود، تجلی یافت. شعبه اخوان المسلمین سوریه را مصطفی سباعی ایجاد کرد. این سازمان از همان ابتدا به فکر تشکیل حکومت بر پایه اسلام و تلاش جهادی برای رسیدن به این مقصود بود. این سازمان، در طول حیات خود در تحولات داخلی و خارجی سوریه تأثیرگذار بوده و در ۴۵ سال اخیر، جزء مخالفان حکومت سوریه محسوب می‌شود. با آغاز بحران سوریه در ۱۰ مارس ۲۰۱۱ میلادی، تغییر و تحولاتی متعدد و مهم در جماعت اخوان المسلمین سوریه روی داد؛ جماعتی که به دلیل ممنوع بودن فعالیت‌شان در این کشور، اغلب رهبران آن حدود سه دهه بود که در خارج از سوریه به سر می‌بردند، اما با کلید خوردن بحران تلاش کردند از شرایط پیش آمده برای تحقق اهداف و منافع خود بهره‌برداری کنند؛ به همین دلیل از همان ابتدا به یکی از بازیگران مهم در عرصه میدانی سوریه تبدیل شدند و فعالیت‌هایی گسترده را بر ضد نظام مرکزی این کشور انجام دادند. بارزترین مشخصه این حزب در سوریه، مخالفت دائمی آن با دستگاه سیاسی کشور است. از مهم‌ترین جلوه این مخالفت، می‌توان به درگیری نظامی ۱۹۸۲ میلادی، جهاد ضدولتی حزب اخوان المسلمین با نیروهای حکومتی اشاره کرد. طی آن، یک نبرد سه هفته‌ای در «شهر حماء» صورت گرفت که منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از اعضای حزب بعث سوریه و نیز سرکوب شدید این اعضا از سوی دولت سوریه شد (Doherty, 2015: 55). بعد از درگیری‌های این حزب در اوایل دهه ۹۰ قرن گذشته نیز اکثر اعضا و رهبران این حزب اعدام یا از سوریه خارج و به عراق و عربستان پناهنده شدند. (sae- di, 2008: 143) در سال‌های اخیر و با شعله‌ور شدن آتش جنگ و بحران در این کشور، که دلایل مختلفی برای آن می‌توان برشمرد، این گروه به متغیری نسبتاً اثرگذار در روند بحران تبدیل شد که عمدتاً از طریق مداخله و سرمایه‌گذاری کشورهای نظیر قطر و ترکیه ضمن تقویت و سازمان‌دهی، در مخالفت با حکومت بشار اسد ایفای نقش کرد. هدف از این پژوهش، بررسی ماهیت حزب اخوان المسلمین، نقش و تأثیر آن در بحران سوریه و نقش آفرینی حزب مذکور در گسترش جنگ داخلی در این کشور است که با مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات از

منابع و کتب معتبر آن را تفسیر می‌کند. براین اساس، مقاله تلاش می‌کند به این سوال اساسی پاسخ دهد که آیا این حزب از عملکرد و تاثیرگذاری لازم برای دستیابی به اهداف تعریف شده خود برخوردار بود؟

۲. پیشینه تحقیق

در باب تحولات سوریه پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که برخی از این پژوهش‌ها به علل شکل‌گیری بحران سوریه پرداخته‌اند و برخی دیگر، نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را مطالعه کرده‌اند. همچنین نویسندگان و صاحب‌نظران در خصوص نقش حزب اخوان المسلمین سوریه در تحولات اخیر این کشور، مقالات و تحلیل‌های مختلفی مطرح کرده و نوشته‌اند، از جمله:

رویوران (۱۳۹۱) به تقابل جریان اخوان المسلمین با دولت مرکزی این کشور از زمان روی کار آمدن دولت علوی خاندان اسد در سال ۱۹۷۰ اشاره و بیان می‌کند که طریق مسالمت‌آمیز فعالیت‌های حزب اخوان المسلمین در سوریه از این زمان به طریق خشونت‌آمیز تغییر یافت و این تقابل از آن زمان تاکنون در مقاطع مختلف تاریخ ادامه داشته است بنابراین با آغاز تحولات اخیر سوریه، «جریان اخوان المسلمین و سلفی‌های تکفیری»، نه تنها همکاری‌های گسترده با هم داشتند، بلکه در حمله به اقلیت‌ها و کشتار تعدادی از آنها و انهدام برخی کلیساها و مساجد نیز همکاری نزدیک داشتند و این رفتارها، گروه اخوان المسلمین را از یک گروه کلان‌نگر ملی به یک گروه خردنگر مذهبی تنزل داده است.

باقری دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) تحولات سیاسی سوریه و مبنای، روند و پیچیدگی‌های آن را بررسی کرده‌اند. نیاکویی (۱۳۹۲) بحران‌های عراق و سوریه را در پرتو نظریه‌های امنیتی بررسی کرده و فرقه‌گرایی و ساختار تک‌حزبی، بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد و نارضایتی گسترده و به عبارتی هویت ملی ضعیف را عامل بحران این کشورها بیان کرده است.

قاسمیان (۱۳۹۲) در تحولات سوریه ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها آن را بررسی کرده و بحران سوریه را تصنعی و محصول مدیریت بازیگران خارجی و فتنه آنها علیه دولت سوریه می‌داند.

تقوی و وحیدفر (۱۳۹۴) نوعی تاریخ‌نگاری از وضعیت حزب اخوان المسلمین در سوریه و رهبران آن و همچنین دیدگاه‌های این حزب و ساختار آن ارائه کرده‌اند، اما در پژوهش آنها هیچ‌گونه تحلیل خاص در خصوص نقش این حزب در بحران سوریه ارائه نشده است.

اشرفی و بابازاده جودی (۱۳۹۴) به صورت تطبیقی سیاست خارجی دو کشور آمریکا و روسیه در قبال بحران سوریه را بررسی کرده و به نقش این دو کشور در شکل‌گیری بحران سوریه اشاره کرده‌اند. سمیعی اصفهانی و شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹۴) با بیان آینده گروهک‌های سلفی تکفیری به راهکارهایی ثبات‌بخش برای دولت‌های سوریه و عراق اشاره کرده‌اند.

دهقان و همکاران (۱۳۹۵) چگونگی تأسیس حزب اخوان المسلمین سوریه پژوهش و نقش این حزب در بحران اخیر این کشور را بررسی کردند. آنها از نظریه‌های حزب‌های اسلام به خصوص نظریه هرابر دکم‌جیان و بحران‌های شش‌گانه فرعی وی استفاده کرده‌اند که از میان شش بحران یادشده، بر سه بحران هویت، مشروعیت و مشارکت را که دارای بیشترین مطابقت با شرایط موجود در کشور سوریه و فعالیت‌های حزب اخوان المسلمین در این کشور بود، تأکید کرده‌اند.

رستمی و همکاران (۱۳۹۵) سناریوهای محتمل در آینده پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه عربی در بازه زمانی ۱۴۰۴ را بیان کردند.

نجات (۱۳۹۶) مسبب بحران سوریه را بازیگران منطقه‌ای می‌داند و کشورهایی چون عربستان، قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل موثر در شکل‌گیری بحران سوریه بیان می‌کند.

کبریایی (۱۳۹۶) اعتقاد دارد که جنبش اخوان از طریق مقابله مسلحانه با دولت مرکزی این کشور، نقشی مهم در آغاز بحران ایفا کرده، به طوری که شاخه‌هایی از اخوان المسلمین سوریه که از جریان‌های وهابی اردن، متأثر بودند، گروه‌هایی مسلح را شکل دادند که همسوبا جریان‌های تکفیری، درگیری‌هایی مسلحانه را از شهرهای مجاور مرزهای اردن آغاز کردند و این درگیری‌ها را به سایر شهرهای سوریه مانند حمص، حلب و... انتقال دادند.

علی‌رغم حساسیت و اهمیت موضوع یکی از نکته‌های جالب‌توجه در ارتباط با آن کم‌توجهی محققان و پژوهندگان این رشته به این مسئله است و کمتر تحقیق و کتابی در این زمینه یافت می‌شود که به‌طور خاص، دقیق و موشکافانه بحران سوریه را بررسی کرده باشد. در این ارتباط تنها گزارش‌ها و مقالاتی به چشم می‌خورد که به‌صورت کوتاه و به رویکرد خاص یکی از بازیگران تأثیرگذار در بحران سوریه پرداخته است. از این‌رو، بررسی در سوابق موضوع نشان از کمبود انجام پژوهش مستقل در موضوع مورد بحث دارد. علی‌رغم پژوهش‌های

مختلفی که در باب تحولات سوریه و علل شکل‌گیری بحران در این کشور انجام شده است، اما پژوهشی مستقل در خصوص نقش و تاثیر حزب و تفکر اخوان المسلمین در بحران و آینده سیاسی سوریه یافت نشد، به طوری که بیانگر عملکرد و تاثیرگذاری این حزب برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده خود باشد و نقش آن را در گسترش جنگ داخلی در سوریه بررسی و واکاوی کند. از این جهت نوشتار حاضر از نوآوری لازم برخوردار است.

۳. مبانی نظری

در خصوص خاستگاه و منشأ شکل‌گیری جنبش‌های اسلام‌گرایی، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ یکی دیدگاه ذات‌محور (Arahgchi, 1999: 73-109) و (Seyyed qotb, 2008: 76) و دیگری دیدگاه واکنش‌محور. دیدگاه‌هایی که از منظر ذات‌محورانه به پدیده اسلام‌گرایی می‌پردازند، اسلام‌گرایی موجود در جهان اسلام را ناشی از ارزش‌ها، اصول و ذات خود اسلام می‌دانند. در شاخه دوم، یعنی واکنش‌محور، بسیاری از اندیشمندان به خصوص اندیشمندان غربی، جنبش‌های اسلام‌گرا را واکنشی نسبت به مسائل محیطی خود می‌دانند. برخلاف متفکران اسلامی، صاحب‌نظران غربی اغلب با نگرش منفی، اسلام‌گرایی را جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر اسلام معرفی می‌کنند. برای نمونه، بات یه آور، تاریخ‌دان انگلیسی، اسلام‌گرایی را به معنای بازگشت به اصل و ذات دین، که همان خشونت، شمشیر، جهاد و شهادت است، معرفی می‌کند. وی در مقاله‌ای با عنوان «اروپا بدون جنگ تسلیم اسلام شده است، به شدت گفت‌وگوهای غربی - اروپایی و سیاست‌مماشات در برابر مسلمانان را نکوهش می‌کند. وی با به کار بردن مفاهیمی مانند «اهل ذمه» و «جهاد» بر این اعتقاد است که با مسلمانان نمی‌توان گفت‌وگو کرد، زیرا مسلمانان از طریق جهاد اسلامی، سرزمین‌های بسیاری را از هند تا پرتغال تصرف و مردمان آنها را به پذیرش اسلام مجبور کرده‌اند و کسانی که نمی‌پذیرفتند، اهل ذمه محسوب می‌شدند و می‌بایستی سلاح‌های خود را تحویل می‌دادند. او این‌گونه بیان می‌کند که مسلمانان ادعا دارند که دین اسلام آخرین دین الهی است و همه مردم جهان باید به این دین بپیوندند و هیچ راهی جز این نیست و اگر چنین نشود با شمشیر، مردم را به دین اسلام درمی‌آورند. (Naqibzadeh, 2008: 21-22)

تعداد زیادی از نویسندگان غربی و مسلمان بر این ادعا پافشاری می‌کنند که اسلام‌گرایی حرکت و اقدامی واکنشی نسبت به تغییرهای بیرونی و فشارهای محیطی است. این افراد موج

بازخیزی اسلام را از ویژگی‌های ذاتی اسلام نمی‌دانند، بلکه آن را ترکیبی از بحران‌های داخلی جهان اسلام و مواجهه مسلمانان با تمدن غربی قلمداد می‌کنند، به‌گونه‌ای که بسیاری از افرادی که در زمینه بنیادگرایی اسلامی نظریه‌پردازی کرده‌اند، اعتقاد دارند که بروز جنبش‌های اسلام‌گرایانه و بنیادگرایانه در جهان اسلام معمولاً در واکنش به شرایط محیطی است که در درون این جوامع وجود دارد. از جمله این نظریه‌پردازان، افرادی مانند ریچارد هرایر دکمچیان (تأکید بر بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت و...)، رضوان سید (تأکید بر بحران هویت)، جن هینس (تأکید بر بحران نوسازی)، بابتی سعید (تأکید بر بحران هژمونی)، ژاک آگوستین برک (تأکید بر بحران سرخوردگی) و خورشید احمد (تأکید بر بحران استعمار) را می‌توان برشمرد. (salehi & rezaee, 2009: 8) پژوهش حاضر با بهره‌گیری از آموزه‌های گروه اخیر از نظریه‌پردازان در حوزه جنبش‌های اسلامی معاصر سرانجام یافته است و به نظر می‌رسد که نظریه دسته دوم، بیشترین تطابق را هم با بحران سوریه و هم با فعالیت‌های جنبش اخوان المسلمین در این کشور دارد.

۳-۱. روابط اخوان المسلمین با دولت سوریه

جنبش‌های اجتماعی معمولاً برای معرفی هویت خویش به اهداف و آرمان‌هایی چنگ می‌زنند که از زمره ارزش‌های مطلق و قابل قبول همگان یا بخش زیادی از جامعه است، به طوری که اغلب، جنبش‌های قومی از استقلال، برابری و برادری و جنبش‌های مذهبی، از اجرای درست و دقیق شریعت دم می‌زنند (Shahriari & jzaei, 2017: 2) بنابراین در این قسمت بر آنیم که اختلاف هویت مذهبی جنبش اخوان المسلمین سوریه و دولت مرکزی این کشور و تأثیر آن در بحران اخیر سوریه را بررسی کنیم.

اختلاف درون اسلام میان شیعه و سنی، واقعیت و اعتقادی بوده که از صدر اسلام تاکنون همچنان ادامه دارد. (Haji yousefi, 2008: 190) یکی از کشورهای اسلامی در منطقه که هر دو ترکیب جمعیتی شیعه و سنی را دارد، کشور سوریه است. این کشور در طول تاریخ، شاهد سکونت و حکومت گروه‌های مختلفی بوده، ولی با تصرف شام در سال سیزدهم هجری به وسیله سپاه اسلام، فرهنگ اسلامی بر این منطقه تسلط یافت. از آن تاریخ تاکنون، مسلمانان سنی مذهب همواره حکومت و قدرت را در این سرزمین در اختیار داشته‌اند. در این میان، رقابت بین اهل سنت و علویان، همواره در این سرزمین وجود داشت. پس از تسلط عثمانی‌ها در

سوریه، فقهای اهل سنت، علویان را نامسلمان خواندند، به گونه‌ای که ابن تیمیه، عالم اهل سنت و از بنیان‌گذاران تفکر سلفیت، در قرن چهاردهم میلادی (هفتم هجری) فتوایی صادر کرد و طبق آن، علویان را بدعت‌گذار در اسلام و کافر اعلام کرد. ستم‌ها و بدرفتاری‌های اهل سنت با علویان موجب شد این اقلیت مذهبی، که از سال‌ها پیش به کوهستان‌های شمال غربی سوریه (مناطق ساحلی لاذقیه)، پناهنده شده بودند، همچنان در سکونتگاه‌های خویش باقی بمانند و باورها و آیین‌هایشان را از چشم بدخواهان مخفی نگاه دارند. (Esmet, 2012: 3)

متعاقب توافق سایکس پیکو (۱۹۱۹) و افول امپراتوری عثمانی و به صحنه آمدن قدرت قیومیتی فرانسه در سال ۱۹۲۰، اوضاع علویان رفته رفته تغییر کرد، زیرا از یک سو، فرانسه در مقام قدرتی قیومیت طلب پس از جنگ جهانی اول، از ماهیت چندمذهبی سوریه به نفع خویش بهره‌برداری کرد و از سوی دیگر، علویان نیز اگرچه با حضور فرانسه در سوریه چندان موافق نبودند؛ این حضور موجب آزاد شدن آنان از بسیاری محرومیت‌های اجتماعی و انزوای سیاسی شد. همین عامل در آغاز قیومیت فرانسه، نوعی همکاری را میان آنان با دستگاه‌های اداری فرانسه در پی داشت. فرانسه نیز همواره در پی تقویت اقلیت‌ها بود تا بدین وسیله بتواند از پیدایش احساس‌های ناسیونالیستی جلوگیری کند. بدین سان، ژنرال گورو حاکم فرانسوی سوریه در سال ۱۹۲۰، به علویان جبال انصاریه، خودمختاری و در سال ۱۹۲۲ به آنها کاملاً استقلال داد که این استقلال تا سال ۱۹۲۶ ادامه یافت. این اقدام نقطه عطفی بود و وضعیت علویان را نسبت به گذشته تغییر داد. (Barnes, 2014: 35)

به‌طور کلی، دوران حضور فرانسویان در سوریه برای جمعیت‌های علوی مذهب محصور شده در ارتفاعات سرآغاز استخلاص سرزمینی و سیاسی تلقی می‌شد؛ استخلاصی که زمینه آن را پیشرفت‌های اقتصادی فراهم کرده بود. این تحول اقتصادی موجب شد دهقانان علوی از کوه‌ها به سوی دشت‌ها سرازیر و به تدریج شهرنشین شوند. حضور در ارتش، دستگاه‌های امنیتی و حزب بعث از دیگر فرصت‌ها و موفقیت‌هایی بود که علویان توانستند در سایه حمایت دولت فرانسه به آن دست یابند و بدین سان، برای تصرف قدرت و سلطه بر حکومت خود را آماده کنند. البته فرانسوی‌ها در این زمان به شدت جوانان علوی را برای ورود به نظام ارتش و قرار دادن آنها در موقعیت‌ها و پست‌های مهم ارتش حمایت کردند تا بتوانند اقلیت علوی را بر اکثریت اهل سنت مسلط کنند و از این کار برای کنترل احساسات ناسیونالیستی سنی در سوریه استفاده کنند بنابراین فرانسوی‌ها تلاش کردند از مذهب برضد ناسیونالیسم بهره‌برداری کنند و با

تقویت اقلیت‌های مذهبی و درعین حال، تفکیک آنها، قدرت خود را تحکیم کنند.

بنابراین پرواضح است که حضور استعماری فرانسه در سرزمین سوریه یکی از مهم‌ترین عواملی بود که در افزایش اختلاف‌های میان شیعه و سنی در این کشور بسیار تأثیر گذاشت و این اختلاف‌ها را بیش از پیش عمق بخشید و به سمت حالت تخاصم سوق داد. البته در این میان، علویان از حضور فرانسه در این کشور به میزان لازم بهره بردند و درحالی‌که در گذشته از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، گروهی ستم‌دیده و محروم محسوب می‌شدند، توانستند به سرعت درجات نظامی را در ارتش این کشور بیمایند و با حضور در حزب بعث در پایان دهه ۱۹۹۰، بر حیات سیاسی این کشور مسلط شوند. ترجمان این سیاست، ژنرال حافظ اسد بود که طی کودتایی در سال ۱۹۷۰، دیگر مدعیان قدرت را کنار زد و سرانجام در سال ۱۹۷۱ موفق شد پست ریاست جمهوری را، که تا آن زمان صرفاً در دست سنی‌مذهب‌بان بود، از آن خود کند. این واقعه، یعنی حضور علویان در ابتدای دهه ۱۹۷۰ در مسند قدرت، حیرت بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران دینی و سیاسی را برانگیخت. (Imam jumazadeh, 2019: 72)

بنابراین با آغاز دهه ۱۹۷۰، قدرت سیاسی در این کشور در عمل در دست علوی‌ها قرار گرفت که این موضوع باعث افزایش خشم اخوانی‌ها و مخالفت بیش از پیش آنها با حکومت مرکزی این کشور شد. (Jamshidi & etc, 2022: 86) هرچند حکومت علوی اسد پس از تثبیت قدرت خود، هرگز جمعیت بالای اهل سنت و جایگاه گذشته آنان را در حکومت سوریه فراموش نکرد و در دوران حکومت حافظ اسد بسیاری از پست‌های مهم سیاسی و نظامی در اختیار اهل سنت بود. برای نمونه، نخست‌وزیر، رئیس ستاد مشترک ارتش، وزیر دفاع و معاون دبیرکل حزب بعث همگی سنی‌مذهب بودند. در زمان حکومت بشار اسد نیز همین وضعیت ادامه داشت و بسیاری از چهره‌های سیاسی و نظامی پرنفوذ و قدرتمند در حکومت سوریه سنی‌مذهب بودند. (Richard, 2008: 98)

با وجود این، هم‌زمان با تثبیت جایگاه خاندان علوی اسد در قدرت، پارادوکسی بزرگ در سوریه در حال ریشه دواندن بود. اختلاف‌های تاریخی میان علویان و اهل سنت با تسلط خاندان علوی اسد بر قدرت از یک طرف و افزایش نفوذ جنبش سنی سلفی اخوان از طرف دیگر، که به شدت جمعیت سنی سوریه را تحریک می‌کرد، افزایش چشمگیری یافت و به سرعت به سمت خصومتی بی‌سابقه حرکت کرد، به گونه‌ای که در یک طرف، علوی‌هایی قرار داشتند که

خود را از استبداد تاریخی اکثریت اهل سنت رها یافته می‌دیدند و در طرف دیگر، گروه اکثریت یعنی اهل سنت قرار داشتند که خود را از حق حکومت محروم می‌دیدند و نمی‌توانستند این وضعیت را برای همیشه و تا ابد بپذیرند.

مقابله جنبش اخوان المسلمین سوریه به‌ویژه جناح تندرو این جریان، که در بخش‌های شمالی سوریه مستقر بودند با حکومت خاندان علوی اسد از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن حافظ اسد آغاز شد، برای نمونه می‌توان به تظاهرات ضد همه‌پرسی قانون اساسی در سال ۱۹۷۱ و در ادامه نیز ماجراهایی نظیر قتل عام ۳۸ دانشجوی علوی دانشکده افسری در شهر حلب در سال ۱۹۷۹ و همچنین شورش و ماجرای شهر حماه در سال ۱۹۸۲ اشاره کرد و همان‌طور که گفته شد، همه این اتفاق‌ها از سوی جنبش اخوان المسلمین سوریه، که وهابیت عربستان و سازمان جهانی اخوان المسلمین نیز پیوسته آنها را با فتوای گوناگون برضد خاندان اسد تحریک می‌کردند، برنامه‌ریزی و انجام شد. (Royuran, 2012: 5)

با آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ و پس از هجوم گسترده شورشیان و تروریست‌های خارجی مانند داعش به این کشور که آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش نظیر عربستان، اسرائیل و... به‌صورت همه‌جانبه از آنها حمایت می‌کردند (rafea & etc, 2020, 63)، بسیاری از گروه‌های سنی مذهب، به‌خصوص سنی‌های فعال در جریان‌های سلفی که در رأس آنها جنبش اخوان المسلمین قرار داشت و به‌شکل سنتی در اطراف شهرهایی بزرگ، مانند حلب، حمص و دمشق (به‌ویژه دوما و حرستا) حضور داشتند، فرصت را مناسب یافتند و به‌سرعت به فاز مسلحانه و انتقام‌جویی از نظام وارد شدند. دلیل این انتقام‌جویی، اختلاف‌های شدیدی بود که میان سلفی‌های اخوان و خاندان علوی اسد به‌ویژه در دوران حافظ اسد رخ داده بود. (Al-hajj, 2013: 9)

آنچه در این زمان، اخوانی‌ها و طرفدارانشان به‌شدت بر آن تأکید می‌کردند، مسائل مذهبی و اعتقادی و مبارزه با حکومتی بود که سال‌ها حقوق آنها را تضییع کرده بود بنابراین تحریک احساسات مذهبی سنی‌های سلفی (اخوانی‌ها) و آمیختن آن با یادآوری خاطراتی مانند ماجرای شهر حماه در سال ۱۹۸۲، ناگهان آمیزه‌ای از نفرت و خشونت را در سوریه شعله‌ور کرد و سبب عمیق‌تر شدن اختلافات میان علویان و جنبش اخوان و طرفدارانش در این کشور شد و در نهایت، همین نفرت و خشونت که با هدایت، حمایت و تحریک بی‌دریغ کشورهای غربی-عربی همراه بود، باعث شد جنبش اخوان ضمن بازیابی سریع خود در سوریه، همراه با سایر

گروه‌های سنی مخالف دولت اسد، به فاز مسلحانه وارد شود و به مبارزه با دولت علوی این کشور دست بزند. (rajabi, 2012: 128)

بنابراین یکی از دلایل اصلی رویارویی جنبش اخوان المسلمین سوریه با دولت مرکزی این کشور، که تحت رهبری خاندان علوی اسد قرار داشت، به هویت‌های مذهبی متفاوت شیعه- سنی آنها بازمی‌گردد. گرچه اختلاف مذهبی میان جریان اخوان و حکومت علوی اسد در طول این مدت بیشتر خودنمایی می‌کرد؛ هدف اصلی هر دو گروه به دست گرفتن حکومت و قدرت در این کشور بود، به طوری که در این زمینه، گراهام فولر، تحلیلگر برجسته آمریکایی و نویسنده کتاب «قبله عالم» در مقاله‌ای نیز به این موضوع اشاره و مطرح می‌کند: اگرچه تفاوت‌هایی میان قرائت اهل تسنن و تشیع از اسلام وجود دارد؛ با گذشت حدود ۱۵۰۰ سال از صدر اسلام، این اختلاف‌ها بیش از آنکه در دین‌شناسی و تفاوت در ایدئولوژی ریشه داشته باشد، به رقابت‌های اجتماعی بازمی‌گردند و مهم‌تر از اختلاف‌های مذهبی، قدرت و در دست گرفتن کنترل دولت‌اند که مطرح می‌شود». (Fuller, 2014: 308)

جنبش اخوان سوریه با آغاز بحران این کشور در سال ۲۰۱۱، با کمک برخی کشورهای غربی- عربی نظیر عربستان، اردن و ... یکی از حربه‌های خود را برای مبارزه با دولت مرکزی سوریه در همکاری با سازمان‌های حقوق بشری قرار داد (Kobarai, 2017: 9) تا بدین ترتیب شاید بتواند به هدف ۴۰ ساله خود مبنی بر ساقط کردن حکومت علوی خاندان اسد نایل شود.

۳-۲. اقدامات اخوان المسلمین سوریه

جریان اخوان المسلمین سوریه دو دسته اقدام را برای مقابله با دولت مرکزی این کشور در دستور کار خود قرار داد:

۳-۲-۱. اقدام در قالب جنگ نرم

دستگاه جاسوسی اخوان توانسته بود طی سال‌های پیش از آغاز بحران و همچنین در ماه‌های اولیه بحران از طریق زنان وابسته به خود، در سازمان اطلاعات و ارتش سوریه نفوذ و از زنان عضو نیز برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. در این راستا، اخوان المسلمین این‌گونه برنامه‌ریزی کرده بود که با تمرکز بر فعالیت‌های سازمان حقوق بشر و تباری با دیده‌بان حقوق بشر، سوریه که

مقر آن در انگلستان است، مسائل سوریه را بزرگ‌نمایی و با ارائه آمار و ارقام نادرست و تصاویر جعلی، برای شبکه‌های ماهواره‌ای خوراکی خبری تأمین کند. علاوه بر این، هدف بزرگ‌تر اخوان، ساختن گروهی قدرتمند طبق خصوصیات یک جنبش اسلامی معاصر بود که قادر باشد نقشی مؤثر در عرصه سوریه ایفا کند و زمان اجرای طرح نیز چهار سال (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶) تعیین شده بود. اهداف فرعی این اقدام نیز عبارت بود از: مدیریت درگیری‌ها با دولت سوریه براساس سه محور سیاسی- رسانه‌ای، امنیتی و حقوق بشر. اقداماتی که اخوان برای اجرایی شدن طرح خود در سوریه انجام داد، عبارت بودند از: نفوذ تعدادی از جوانان اخوانی در جنبش مردمی سوریه برای هدایت آنها به سوی هدف مورد نظر خود و تشکیل کارگروه‌هایی در فیس‌بوک، توئیتر، سایت‌های خبری و نیز تشکیل کارگروهی برای هدایت شبکه‌های ماهواره‌ای به خصوص الجزیره العریبه و بی‌بی‌سی برای ارسال اخبار و ویدئو. (Kayhan, 2014 & Matzi, 2013)

۳-۲-۲. اقدام در قالب جنگ مسلحانه

با آغاز بحران سوریه در ۱۰ مارس ۲۰۱۱ میلادی، تغییر و تحولاتی متعدد و مهم در جماعت اخوان المسلمین سوریه روی داد؛ جماعتی که به دلیل ممنوع بودن فعالیت‌شان در این کشور، اغلب رهبران آن حدود سه دهه بود که در خارج از سوریه به سر می‌بردند، اما با کلید خوردن بحران تلاش کردند از شرایط پیش آمده برای تحقق اهداف و منافع خود بهره‌برداری کنند، به همین دلیل، از همان ابتدا به یکی از بازیگران مهم در عرصه میدانی سوریه تبدیل شدند و فعالیت‌های گسترده‌ای بر ضد نظام مرکزی این کشور انجام دادند. از این رو، این جریان در ۲۵ مارس ۲۰۱۲، بیانیه‌ای را مشابه بیانیه سال ۲۰۰۰ در حمایت از ایجاد دولت مدنی مدرن برای جلب نظر قدرت‌های بزرگ و دریافت حمایت‌های منطقه‌ای و جهانی از فرایند انتقال قدرت در سوریه منتشر و بر تشکیل و حمایت از گروه‌های مسلح در این کشور تأکید کرد. در ادامه، جماعت اخوان المسلمین سوریه به تشکیل گروه‌هایی مسلح وابسته به خود اقدام کرد و به عرصه مبارزه مسلحانه ضد نظام سوریه با هدف براندازی آن و به دست گرفتن قدرت در این کشور پای نهاد. (Kobarai, 2017: 9)

در این مدت، مناطق شمالی سوریه به خصوص استان «ادلب»، که در شمال غربی این کشور قرار دارد، مهم‌ترین منطقه‌ای بود که جماعت اخوان المسلمین و اعضا و عناصر وابسته به آن در آنجا فعالیت داشتند. به همین دلیل، جنبش اخوان المسلمین تلاش کرد روابط خود

را با دوستان و خاندان و شبکه‌های دوست و هم‌پیمان خود در این مناطق حفظ کند. طی سال ۲۰۱۳ میلادی، که دیگر بحران سوریه به مرحله جنگ تمام‌عیار وارد شده بود، جنبش اخوان المسلمین این کشور کمیته‌ای به نام «هیئت سپرها» را تشکیل داد که به‌نوعی مسئولیت فعالیت‌های مسلحانه این جنبش را برعهده داشت. در این راستا، «هیئت سپرها» در طول سال ۲۰۱۳ میلادی، سلاح‌هایی پیشرفته مانند سیستم‌های پدافند هوایی قابل حمل، توپ، تانک و انواع سلاح‌های سبک را از کشورهای نفت‌خیز عربی حوزه خلیج فارس دریافت و عملیات‌های مسلحانه و تروریستی خود را در سوریه تشدید کرد. ریف ادلب و ریف حمص، مهم‌ترین مناطق فعالیت مسلحانه و تروریستی جنبش اخوان المسلمین طی سال ۲۰۱۳ میلادی بودند و البته به میزانی کمتر و به‌گونه‌ای پراکنده، مناطقی از استان‌های حلب، حماه و ریف دمشق نیز شاهد عملیات گروه‌های وابسته به این جنبش بودند. (Koshki, 2014: 56)

تشدید درگیری‌های مسلحانه و توسعه دامنه آنها، رفته‌رفته جرقه اختلاف میان دو جناح از گروه‌های مسلح وابسته به جنبش اخوان المسلمین را روشن کرد. این اختلاف‌ها بین گروه‌های مسلح وابسته به جنبش در استان‌های حماه و حلب بروز کرد و اساس اختلاف نیز بر سر مسئله به دست گرفتن قدرت و رهبری در جنبش بود و بهانه این اختلاف نیز مخالفت گروه‌های مسلح فعال در حلب از وابستگی به هیئت سپرها بود که نام خود را به «هیئت سپر انقلاب» تغییر داد و «ریاض الشقفه»، از اخوانی‌های شهر «حماه» و رهبر سابق این جماعت، آن را اداره می‌کرد.

در ادامه با پیوستن گروه‌های تندرو و افراط‌گرای مسلح به هیئت سپر انقلاب و افزایش ورود و نفوذ دیگر گروه‌های مسلح تروریستی مانند داعش به مناطق تحت تصرف جنبش اخوان المسلمین، جناح حلب جنبش اخوان المسلمین تصمیم گرفت از گروه‌های مسلحی حمایت کند که آنها را گروه‌های میانه‌رو می‌خواند. از جمله این گروه‌ها می‌توان به گروه‌های تروریستی موسوم به کتیبه الفاروق فعال در حمص، لواء التوحید فعال در حلب، صقور الشام فعال در منطقه جبل الزاویه از توابع ادلب و أحرار الشام در ادلب اشاره کرد که از حمایت مالی و نظامی جنبش اخوان المسلمین سوریه بهره‌مند بودند. (Kobarai, 2017: 9)

بروز این اختلاف سیاسی میان دو جناح اخوان المسلمین نقشی بسزا در ناکامی و شکست فعالیت‌های هیئت سپر انقلاب بازی کرد تا جایی که داعش توانست از شرایط پیش‌آمده به سود

خود بهره‌برداری و مناطق تحت نفوذ این جنبش را تصرف کند، اما این پایان کار نبود، بلکه با ادامه شکست‌ها و ناکامی‌های گروه‌های مسلح وابسته به جنبش اخوان المسلمین، این گروه‌ها به تدریج حمایت مالی و نظامی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را نیز از دست دادند، اما با وجود این، جنبش اخوان المسلمین و گروه‌های وابسته به آن با توجه به سابقه تاریخی و نفوذ گسترده‌ای که در میان مردم سوریه دارند، همچنان یک گروه مخالف مسلح مهم در کشور سوریه و در تقابل با دولت مرکزی این کشور محسوب می‌شود.

۳-۳. نقش و تاثیر اخوان المسلمین در آینده سیاسی سوریه

با وجود محدودیت‌های شدیدی که در دوران حکومت حافظ اسد بر گروه اخوان المسلمین اعمال شد، اما بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد، فضای سیاسی جدیدی بر سوریه حاکم شد و بسیاری از اعضای اخوان از زندان‌های سوریه آزاد شدند. با اینکه رهبری اخوان المسلمین سوریه همچنان در تبعید بود، اما بسیاری از سوری‌ها از این سازمان حمایت می‌کردند. رهبران این جنبش در ژانویه ۲۰۰۶، در میان تحولات سوریه در مصاحبه‌هایی، خواستار تبعید مسالمت‌آمیز و بدون خشونت دولت در دمشق و استقرار یک حکومت مدنی دموکراتیک در این کشور شدند. (Yazdani & etc, 2013: 261) با اوج گرفتن بحران در سوریه اخوان سوریه با موضع‌گیری‌های صریح خواستار برکناری بشار اسد و روی کار آمدن نمایندگان اکثریت سنی و به خصوص اخوانی در سوریه شدند. علی‌رغم مشی و ظاهر معتدل اخوان المسلمین اما در بحران سوریه این گروه و هوادارانش با پشتیبانی برخی کشورهای منطقه به تقابل نظامی با نظام سوریه پرداختند. دلایل ذیل از مهم‌ترین دلایل حرکت اخوان و هواداران این تفکر به سمت در دست گرفتن اسلحه در مقابل حکومت سوریه هستند:

۱- مهیا بودن شرایط گذار اخوانی‌ها از بحران‌های گذشته

۲- شرایط هیجانی منطقه و موج بیداری اسلامی در خاورمیانه

۳- حمایت برخی کشورهای منطقه از گروه‌های مخالف

۴- تبلیغات گسترده وهابیت علیه حکومت سوریه و شیعه و بهره اخوان از این وضعیت.

اما در مقابل این حمایت‌ها و پتانسیل‌ها، دلایلی که در قسمت ذیل به آن اشاره می‌شود

سبب شد به مرور از انرژی اخوان المسلمین و گروه‌های اخوانی کاسته شود و ابتکار عمل در اختیار دولت سوریه قرار بگیرد:

۱. حمایت پررنگ کشورهای محور مقاومت از ارتش سوریه: با حضور نیروهای نظامی محور مقاومت در سوریه و حمایت قاطع این نیروها از حکومت سوریه، روزبه‌روز بر پیروزی‌های میدانی ارتش سوریه در میدان نبرد افزوده شد. نیروهای ایرانی در کنار حزب‌الله لبنان، حزب‌الله عراق، تیپ فاطمیان (افغانی‌های شیعه) و تیپ زینبیون (پاکستانی‌های شیعه) از مهم‌ترین این گروه‌ها هستند. خصوصیت مهم این نیروها، انگیزه اعتقادی برای نیل به اهداف میدان درگیری است. این نیروها که با عنوان مدافعان حرم حضرت زینب (س) از آنها یاد می‌شود جدا از امکانات سخت‌افزاری، دارای روحیه‌ای ویژه در میدان نبرد مبارزه با گروه‌های تکفیری و اهانت‌کننده به ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند و در صورتی که بسیاری از نیروهای خارجی حاضر در سوریه با انگیزه‌های مالی حضور دارند تبعاً وجود انگیزه اعتقادی و فدا کردن جان برای دفاع از حریم اهل بیت به‌عنوان عاملی مهم در صحنه مبارزه خود را نشان می‌دهد.

۲. حمایت‌های سیاسی و نظامی روسیه از نظام سوریه: با توجه به نفوذ سوسیالیسم و شوروی سابق در حزب بعث، که از سال‌های حضور حافظ اسد آغاز شده بود و نیز منافع که روسیه در دریای مدیترانه و بندرهای طرطوس و لاذقیه و خاورمیانه برای خود متصور بود و نیز چشم طمع آمریکا و کشورهای غربی به سوریه، روسیه برای حفظ پایگاه و گسترش منافع خود با حضوری قوی در سوریه از عوامل مهم تاثیرگذار در روند موفقیت‌های ارتش سوریه بوده است. (Karimipour, 2022: 48) نیروی نظامی روسیه به‌خصوص نیروی هوایی این کشور به‌عنوان مؤلفه‌ای تاثیرگذار مطرح بوده است. در سال‌های اخیر نیز با ایجاد و تشکیل جلسات محور روسیه-ترکیه-ایران عملاً ابتکار عملی با هماهنگی دولت سوریه توسط این کشورها شکل گرفته است که همین رویه عاملی مهم در کنار گذاشتن آمریکا از پازل سوریه بوده است.

۳. اختلافات جدی گروه‌های مسلح و مخالف حکومت سوریه: از همان ابتدای شروع بحران در سوریه اختلافات گروه‌های مختلف سیاسی و نظامی به‌عنوان پاشنه آشیل این گروه‌ها محسوب می‌شد. این اختلافات هم از جنس اختلاف کردها و تکفیری‌ها و هم از جنس تکفیر و ترور تکفیری‌ها توسط یکدیگر بوده است. اختلاف داعش و النصره، اختلاف النصره و

اخوانی‌ها، اختلافات گروه‌های مورد حمایت ترکیه و قطر و همه و همه باعث تقلیل انرژی و کشته شدن تعداد زیادی از اعضای این گروه‌ها در درگیری‌های خونین سوریه شد. شدت این اختلافات، که در بسیاری از مواقع در حد تکفیر گروه‌های رقیب می‌رسید، در حدی بوده که میانجی‌گری کشورهای مختلف مخالف حکومت اسد نیز نتوانسته راهی برای برون‌رفت از این موضوع باشد.

۴. اقدامات وحشیانه و غیرانسانی گروه‌های مسلح مخالف سوریه و از دست دادن مشروعیت نسبت به ابتدای بحران: در سال‌های بحران سوریه یکی از شگردهای گروه‌های تکفیری حاضر در سوریه به‌خصوص داعش برای کسب پیروزی در میدان نبرد، استفاده از اهرم ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و نظامیان ارتش سوریه بوده است. اقداماتی نظیر زنده سوزاندن اسرا، خفه کردن دسته‌جمعی در زیر آب، سر بریدن، قطعه قطعه کردن اجساد اسرا و پخش تصاویر این وحشی‌گری‌ها در رسانه‌های وابسته گوشه‌ای از اقدامات غیرانسانی این گروه‌ها بوده است. با اقداماتی این‌چنینی و حمایت مالی و لجستیک برخی کشورهای منطقه نظیر عربستان، قطر و ترکیه هرچند در کوتاه‌مدت این گروه‌ها توانستند بر بخش عمده و مهمی از خاک سوریه تسلط پیدا کنند، اما به‌مرور این نظام سوریه بود که همراه با خودزنی این گروه‌ها در مشروعیت‌زدایی از خود، توانست در سایه حمایت نظامی روسیه، ایران و سایر گروه‌های محور مقاومت ابتکار عمل را در دست بگیرد و بر بخش عمده‌ای از مناطق از دست‌رفته مجدداً تسلط پیدا کند.

۵. فاصله گرفتن برخی گروه‌های مخالف نظیر اخوان المسلمین از مشی و هویت اصلی و استحاله در گروه‌های تروریستی: با بررسی اخوان المسلمین عالمی و حتی پایه‌گذاران اصلی این تفکر در مصر مانند حسن البنا به برداشتی غیر از جنبه نظامی اخوان المسلمین خواهیم رسید و بیشتر از آنکه این گروه را تشکیلاتی نظامی بدانیم، باید ریشه‌ای سیاسی، فرهنگی و اعتقادی برای آن در نظر بگیریم. این گروه در سوریه هرچند ابزار و نیروی تشکیلاتی کافی برای فعالیت سیاسی برجسته نداشت و درعین حال نیروهای کافی و نظامی آموزش‌دیده برای تقابل جدی با نظام سوریه را نیز در اختیار نداشت، اما با حمایت از اقدام نظامی علیه حکومت سوریه و همچنین پراکندگی هوادارانش در بین گروه‌های مسلح نظیر احرارالشام و حتی تحریک حماس به مقابله با نظام سوریه عملاً در تقابل نظامی با حکومت سوریه و در جبهه غرب، اسرائیل و گروه‌های تکفیری قرار گرفت.

۶. افزایش مشروعیت بشار اسد در بین مردم سوریه: در سال‌های اخیر میزان پذیرش بشار اسد به‌عنوان رئیس‌جمهور در بین مردم این کشور روندی روبه‌رشد داشته است. به بیانی دیگر، علی‌رغم آسیب‌های جدی که در ابتدای بحران در این کشور بر پیکره مشروعیت نظام حاکم سوریه وارد شد، اما به مرور و با پیروزی‌های میدانی نظام حاکم و به‌خصوص با شکست داعش و دیگر گروه‌های مسلح در بسیاری از مناطق سوریه و انجام انتخابات‌های سراسری در این کشور، میزان مشروعیت نظام حاکم و به‌تبع آن مشروعیت نداشتن گروه‌های مخالف کاملاً مشهود بود.

۷. تعدیل و تغییر مواضع برخی کشورهای حامی مخالفان نظام سوریه: تغییر مواضع کشورهای نظیر ترکیه، قطر و آمریکا درخصوص سوریه به‌دلایلی که در بندهای پیشین بدان اشاره شد از عوامل مهم تاثیرگذار در بحران سوریه بوده است که روزبه‌روز موجب تقویت جبهه مقاومت در سوریه شده است.

گروه اخوان‌المسلمین سوریه در طول بحران این کشور در سایه حمایت‌های سیاسی، مالی و نظامی کشورهای نظیر ترکیه و قطر به‌صراحت از لزوم کنار رفتن بشار اسد و تبدیل حکومت این کشور به مدل مورد علاقه خود سخن گفت و در این بین با تمام قوا چه در صحنه نظامی و چه در صحنه سیاسی به نقش‌آفرینی برای نیل به اهداف خود قدم برداشت. موفقیت‌های مجموعه گروه‌های مخالف حکومت سوریه تا بدان‌جا پیش رفت که نیروهای تحت حمایت این گروه‌ها در سال ۲۰۱۳ به دروازه‌های کاخ ریاست‌جمهوری بشار اسد نیز رسیدند و حتی زمزمه‌های مبنی بر پناهندگی بشار اسد به یکی از کشورهای اروپایی هم به گوش می‌رسید، اما در ادامه و با دلایلی که ذکر شد به مرور ارتش سوریه و هم‌پیمانانش با دست گرفتن ابتکار عمل میدانی بخش عمده‌ای از خاک کشور را از وجود این گروه‌ها پاکسازی کردند. در حال حاضر و با پاکسازی قسمت عمده‌ای از خاک سوریه، گروه‌های مسلح و مخالف، که پس از شکست داعش عمده‌آن را گروه‌های اخوانی و مورد حمایت ترکیه تشکیل می‌دهند، در منطقه ادلب حضور دارند. رویای برکناری بشار اسد و تغییر حکومت این کشور به حقیقت نپیوست. اخوان‌المسلمین سوریه همانند اخوان‌المسلمین مصر می‌بایست با نگاهی مجدد به عوامل شکست خود راهی دیگر (تغییر تاکتیک) و شاید بزرگراهی دیگر (تغییر استراتژی) را برای خود برگزیند. از این پس و با پشت سر گذاشتن بحرانی ۱۰ ساله و تجارب حاصل از این درگیری‌های خونین نظامی و البته تلاش‌های دیپلماتیک طرف‌های مختلف می‌بایست شاهد

حضور پررنگ‌تر و باتجربه‌تر نیروهای محور مقاومت و هم‌پیمان سوریه اعم از ایران، عراق و گروه‌های حامی آنها نظیر حزب‌الله لبنان، حزب‌الله عراق، جهاد اسلامی و ... در صحنه تقابل با جبهه غرب و کشورهای وابسته به غرب در منطقه باشیم.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بیان مبانی نظری سیر تشکیل اخوان‌المسلمین سوریه، روابط این گروه با دولت سوریه در زمان حافظ اسد و بشار اسد واکاوی شد و با بررسی نقش اخوان‌المسلمین در بحران سوریه، میزان وزن و تأثیرگذاری این گروه و سایر گروه‌های با تفکر اخوانی درگیر در جنگ سوریه در روند شکل‌گیری بحران سوریه و آینده سیاسی آن تبیین شد. هدف اصلی از این پژوهش بررسی ماهیت حزب اخوان‌المسلمین و نقش و تأثیر آن در بحران سوریه و نقش آفرینی حزب مذکور در گسترش جنگ داخلی در این کشور است که با مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات از منابع و کتب معتبر به تفسیر آن پرداخته شد.

جنبش اخوان‌المسلمین، که بر مبنای تفکرهای سنی سلفی در مصر، ایجاد و فعال شده بود، از بدو ورود به کشور سوریه، تلاشی گسترده را برای تصاحب حکومت و قدرت در این کشور از خود نشان داد. این جنبش با توجه به گرایش‌های مذهبی و اعتقادی‌اش به سرعت توانست در کشور سوریه، که بیش از ۷۶ درصد جمعیت آن را اهل سنت تشکیل می‌دادند، جایگاهی مناسب برای خود به دست آورد و در میان اقشار و گروه‌های مختلف مردمی به خصوص طبقه روستایی و متوسط شهری از نفوذی بالا بهره‌مند شود و به واسطه همین نفوذ توانست در مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی کشور سوریه حضور و نقشی فعال داشته باشد و از همان ابتدا به یکی از بازیگران اصلی در عرصه داخلی سوریه تبدیل شود و برای تصاحب قدرت با سایر احزاب قدرتمند این کشور مانند کمونیست‌ها و حزب بعث رقابت داشته باشد، اما زمانی که در اثر تحولات داخلی کشور سوریه و دخالت‌های گسترده استعمار فرانسه، حزب بعث (که بعدها تحت تسلط کامل علویان قرار گرفت)، توانست بر قدرت و حکومت مسلط شود، رقابت‌های میان جنبش اخوان و حزب حاکم، وارد فاز مسلحانه و خشونت‌بار شد و چون جنبش اخوان نفوذی بالا در جامعه سوریه و طرفداران بسیاری داشت، این درگیری‌ها نیز بسیار خونین و شدید شد. جنبش اخوان در تمام آن سال‌ها با کوییدن بر طبل هویت مذهبی سنی و ادعای اینکه حکومت باید مانند دوران گذشته در دست اکثریت مطلق اهل سنت سوریه باشد نه اقلیت ۱۰ درصدی علوی

این کشور، پیوسته مشروعیت نظام علوی حاکم را زیر سوال می‌برد و بر همین اساس در مقاطع مختلف وارد درگیری‌های مسلحانه با حکومت مرکزی می‌شد که اوج این درگیری‌ها در ماجرای شهر حماه در سال ۱۹۸۲ بود که تعداد زیادی از رهبران جنبش کشته، زندانی یا تبعید شدند و جنبش با این سرکوب و شکست به شدت منزوی شد، اما حوادث پس از روی کار آمدن بشار به خصوص ایجاد فضای باز سیاسی در یک سال اول حکومت وی و بعد هم ماجراهایی مانند حمله آمریکا به افغانستان و عراق باعث شکل‌گیری مجدد فعالیت‌های جریان اخوان در سوریه شد و هسته‌های خفته این جنبش مجدد در سوریه فعال شدند و تا حدودی قدرت پیشین خود را در این کشور احیا کردند تا اینکه با آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، جنبش اخوان که کینه و نفرتی عمیق از دولت علوی خانواده اسد در دل داشت و همواره در صدد سرنگونی این دولت در سوریه بود و پیوسته از سوی سازمان جهانی اخوان و کشورهای عرب منطقه نیز حمایت تحریک می‌شد، توانست از فرصت پیش آمده استفاده کند و ضمن بازیابی مجدد خود با توجه به نقش تاریخی و تأثیرگذارش در دوران‌های مختلف در مسائل سیاسی و اجتماعی سوریه و نفوذ بالا در میان اقشار و گروه‌های مختلف این‌بار نیز با تأکید بر مقوله مذهب، به تحریک اهل سنت به خصوص سنی‌های فعال در جریان سلفی اقدام کند و ضمن همکاری با گروه‌های تکفیری، مشروعیت حکومت مرکزی را زیر سوال ببرد، به مبارزه همه‌جانبه با حکومت بشار اسد دست بزند و از این طریق توانست نقشی مهم در دامن زدن به جنگ داخلی سوریه ایفا کند، اما به مرور و با تغییر برخی متغیرها و دلایلی نظیر تعدیل و تغییر مواضع برخی کشورهای حامی مخالفان نظام سوریه، حمایت برجسته کشورها و نیروهای محور مقاومت از ارتش سوریه، حمایت‌های سیاسی به‌ویژه نظامی روسیه از حکومت سوریه، اختلافات جدی، درون‌گروهی و روزافزون گروه‌های مسلح و تفرقه و تقلیل انرژی و توان این گروه‌ها، اقدامات وحشیانه و غیرانسانی گروه‌های مسلح مخالف سوریه و از دست دادن مشروعیت نسبت به ابتدای بحران، نه‌تنها در ادامه بحران از دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده یعنی سرنگونی حکومت بشار اسد بازماندند، بلکه به مرور با افزایش مشروعیت و محبوبیت بشار اسد و تقلیل محبوبیت گروه‌های مسلح با انجام فجایع غیرانسانی و غیرمذهبی، عملاً ابتکار عمل از دست این گروه‌ها خارج شد و در اختیار محور مقاومت قرار گرفت. با این شکست، که مهر پایانی بر رویای سرنگونی بشار اسد خواهد بود، اخوان المسلمین و سایر گروه‌های منتسب به این تفکر تا حداقل ۱۰ سال آینده از جرگه بازیگران اصلی و نقش‌آفرین در کشور سوریه دور باشند.

References

- Al-Hajj, Abd al-Rahman (2013). Salafism and Salafists in Syria: From Reform to Jihad, center. **[In persian]**
- Araghchi, Seyyed Abbas (1999). Political Thoughts of Maududi, Middle East Studies Quarterly, No.19. **[In persian]**
- Ashrafi, Akbar; Babazadeh Jodi, Amir Saeed (2014). The foreign policy of Russia and the United States regarding the Syrian crisis. International Relations Studies Quarterly. No. 3. **[In persian]**
- Bagheri Dolatabadi, Ali; Khalki, Jamshid; Fathi Mozafari, Abdul Reza (2012). Political developments in Syria, For the security of the Islamic Republic of Iran. Iranian Journal of International Politics, No. 2. **[In persian]**
- Bagheri Dolatabadi, Ali; Khalki, Jamshid; Fathi Mozafari, Abdul Reza (2012). Syrian political developments; Basics, trends and complications, Strategic policy research. No.4. **[In persian]**
- Barnes Sinjab, Lina (2014). Syria Crisis: Guide to Armed and Political Opposition, British Broadcasting Corporation.
- Dehghan, Yadullah; Kitabi, Mahmoud; Jafarinejad, Masoud (2015). "Examination of the role of the Muslim Brotherhood movement in the Syrian crisis", two scientific-research quarterly journals of political sociology of the Islamic world, (5), (1), PP. 45-59. **[In persian]**
- Dekamjian, Harair (2008). contemporary Islamic movements in the Arab world, Translated by Hamid Ahmadi, Ch, Tehran: Kayhan Publications.
- Doherty, Terry (2015). Syria, translated by Mehsa Khalili, first edition, Tehran: goognos.
- Emami, Mohammad Ali (2000). Politics and governance in Syria, Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs. **[In persian]**
- Fuller, Graham (2014). Qibla Alam, Geopolitics of Iran, Translated by Abbas

Mokhbar, 1st edition, Tehran: Center Publishing.

Ghasemian, Ruhollah (2012). Digging into the evolution of Syria, Origins, actors and consequences. Tehran: West Asia and Africa Studies Institute.

Haji Yousefi, Amir Mohammad (2008). Hilal Shiite; Opportunities and Threats for the Islamic Republic of Iran, Arabs and America, Political Knowledge Quarterly, NO.1. **[In persian]**

Imam Jumazadeh, Rahela (2019). Comparative study of the Muslim Brotherhood in Egypt and Syria, Strategic Studies Quarterly, Jahan Islam; (13), (51), PP. 76-98. **[In persian]**

Jamshidi, Mohsen; Fatahi, Shahram; Sadiq, Mirabrahim (2022). the strategy of the Islamic Republic of Iran towards the Axis countries under influence in the Islamic world from the perspective of defensive realism (analysis of the Iraq and Syria crisis), Islamic Awakening Studies Quarterly, (13), (1) , PP. 77-99. **[In persian]**

Karimipour, Davood (2022). The Equation of Russian Status-seeking in the Geopolitical Crises of the Islamic world; Study of Syria and Yemen, Fundamental and applied studies of the islamic world, (4), (11), PP. 38-63. **[In persian]**

Kayhan newspaper (2014). ISIS is the American infantry in the attack on Syria, No. 20883. **[In persian]**

Kobarai, Hossein (2017). Directions of the Syrian Brotherhood to the crisis of this country. Bidar Islamic analytical news base. Khabar network: 232978. **[In persian]**

Koshki, Mohammad Sadegh and Mahjubeh Karimi (2014). The Paradox of American Foreign Policy in the Middle East", Strategy Quarterly; (17), (14), PP. 32-51. **[In persian]**

Naqibzadeh, Ahmed (2008). The image of Islam and Muslims in French literature after the incident of September 11, 2001, Tehran: Islamic Culture and

Communication Organization. **[In persian]**

Nejat, Seyyed Ali (2016). Syrian crisis and regional actors. Tehran: Contemporary Abrar. **[In persian]**

Niakoi, Amir and Bahmanesh, Hossein (2019). Opposing Actors in the Syrian Crisis: Objectives and Approaches. Foreign Relations Quarterly. No. 4. **[In persian]**

Niakoi, Amir; Sotoudeh, Ali Asghar (2014). The impact of internal conflicts in Syria and Iraq on the security complex of the Middle East, CIA strategic research quarterly. No.15. **[In persian]**

Rajabi, Sohail (2012). Analysis of Syria's position and strategic role in regional and international relations", Quarterly 15 Khordad; 10th year, (5), (36), PP.23-41 . **[In persian]**

Ramezani, Farzad (2015). review of developments in Syria; Tehran: Peace **[In persian]** Rafi, Hossein; Moinabadi Begdali, Hossein; Sheikh Derni, Mor-teza (2022). Comparative study of the policy of Saudi Arabia and Qatar towards ISIS in Syria. Fundamental and applied studies of the islamic world, (4), (2), PP.61-82. **[In persian]**

Richard, Michelle (2008). The history of the Muslim Brotherhood community from the beginning to today; Translation by Hadi and Khosrowshahi, Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs.

Rostami, Mohsen; Farjirad, Abdolreza; Sarwar, Rahim (2015). Possible scenarios in the future research of foreign relations between Iran and Saudi Arabia based on geopolitical developments in the Arab region (in the period of 1404). Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World. No.1. **[In persian]**

Rousseau, Eliott (2014). The Construction of Ethnoreligious Identity Groups in Syria: Loyalties and Tensions in the Syrian Civil War, in BSU Honors Program Theses and Projects, Item 66. Retrieved From: <http://vc.bridgew>.

edu/honors proj/66.

Royuran, Hossein (2012). The role of the Muslim Brotherhood in the recent developments in Syria, the national conference on the investigation of the recent developments in Syria's goals and prospects.

Saeedi, Ebrahim (2008). Syria, Bureau of Political and International Studies, Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs. **[In persian]**

Salehi, Abbas; Alireza Rezaei (2009). Fundamentals of Islamist Movements: Theories and Perspectives, Political Studies Quarterly, (2), (5), PP. 45-64. **[In persian]**

Samii Esfahani, Alireza; Shafii Seifabadi, Mohsen (2014). The future of Takfiri groups and solutions for the stability of the government of Syria and Iraq. Strategic policy research. No. 14. **[In persian]**

Secretariat of Islamic Awakening (2018). Specialized Meeting on Islamic Awakening with a Focus on Syrian Developments, Social Sciences Quarterly, (1), (2), PP. 31-46.

Seyyed Qutb (2008). Signs of the Way, translated by Mahmoud Mahmoudi, Tehran: Ehsan Publications.

Shahriari, Abulqasem and Muhaddith Jazaei (2017). Investigation of the effect of ethnic and religious divisions in the formation of radicalism in Nigeria, Islamic World Political Studies Quarterly, (4), (15), PP. 56-76. **[In persian]**

Smith, Ben (2012). Syria.no end in Sight, House of Commons Library, The Construction of Thnoreligious Identity Groups in Syria: Loyalties and Tensions in the Syrian Civil, Bridge Water State University.

Tagvi, Sayeda Leila; Saida Vahidfar (2015). Examination of the role of the Muslim Brotherhood in the developments of Syria 1965-201, Kharazmi History, third year. **[In persian]**

Yazdani, Inayatullah; Ebrahimi, Taleb; Jafari, Yusuf (2013). Reflection of the

Islamic Revolution on the Syrian Muslim Brotherhood Movement, Scientific-Research Quarterly of Islamic Revolution Studies, (9), (28), PP. 203-276. **[In persian]**